

غنائم هند و کاربردهای آن در اقتصاد غزنه عصر غزنوی

صالح پرگاری^۱

فؤاد پورآرین^۲

رضا دریکوندی^۳

چکیده

یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های سلاطین غزنوی از حمله به هند کسب غنیمت بود. به‌منظور دستیابی به این هدف از زمان سبکتگین حملاتی به این سرزمین آغاز شد که کمابیش تا پایان عمر دودمان غزنوی ادامه داشت. در نتیجه این حملات غنائم فراوانی به دست آمد که نقش بسیار مهمی در رونق اقتصادی شهر غزنه ایفا نمود. بکر بودن موضوع حاضر، نقش مهم غنائم هند در اقتصاد غزنه به همراه لزوم انجام پژوهش‌های اقتصادی در تحقیقات جدید بر اهمیت این موضوع می‌افزاید. این پژوهش با روش توصیفی^۴ تحلیلی متکی بر متون تاریخی، جغرافیایی و ادبی و با هدف بررسی برخی از مهم‌ترین فتوحات غزنویان در هند و تأثیر غنائم ناشی از آن بر ساختار اقتصادی شهر غزنه در نهایت بدین نتیجه رسیده که غزنویان بنا به انگیزه‌های مختلفی از جمله کسب غنیمت به هند حمله کردند که در نتیجه آن غنائم فراوانی به‌ویژه در عصر اول حکومت این خاندان به دست آمد؛ و بخشی از این غنائم در کنار سایر مؤلفه‌های اقتصادی در جنبه‌های مختلفی از جمله تجارت برده و ضرب مسکوکات به رونق اقتصادی غزنه کمک کرد.

واژه‌های کلیدی: غزنه، تجارت، اقتصاد، غزنویان، غنائم هند.

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی pargarisaleh@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی pour721@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شیراز rezaderikvandy70@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۱۷

طرح مسئله

با استقرار دودمان غزنوی در شهر غزنه به سال ۳۵۱ ق دور تازه‌ای از حیات اقتصاد این شهر آغاز شد. در اوایل حکومت غزنوی غزنه از نظر اقتصادی روزگار چندان خوبی نداشت و حکومت به‌سختی از عهده تأمین مخارج روزمره خویش برمی‌آمد. این مسئله به همراه موقعیت جغرافیایی مناسب شهر غزنه که در هم‌جواری هند قرار داشت و امکان حمله به این سرزمین را تسهیل می‌نمود از جمله‌ی مهم‌ترین جاذبه‌های حمله به سرزمین زرخیز و پرثروت هند بود؛ بنابراین با تثبیت حکومت غزنویان در خراسان و با احساس توانایی در خود، سلاطین غزنوی به منظور گسترش قلمرو خود، دست‌یابی به عنوان غازی و کسب غنیمت حملاتی به هند آغاز کردند که کمابیش تا پایان عمر این حکومت ادامه داشت. ساختار حکومتی هند که متشکل از ایالت‌های مختلف خودمختار تحت امر راجه‌های هندی بود نیز هند را به طعمه‌ای آماده تبدیل کرده و غزنویان را در رسیدن به هدفشان کمک می‌کرد. اوج این فتوحات در زمان سبکتگین و سلطان محمود و به‌ویژه شخص اخیر صورت گرفت. بعد از فوت سلطان محمود به دلیل مشکلات متعددی که دامن‌گیر حکومت غزنوی شد سیر فتوحات در هند روندی نزولی پیدا کرد اما به‌طور کلی متوقف نشد. در نتیجه این فتوحات غنائم فراوانی همچون برده، اصنام زرین و سیمین، فیل و اجناس و کالاهای فراوان بسیار دیگری به دست آمد.

بخشی از این غنائم پس از ورود به شهر غزنه در جهت توسعه اقتصادی این شهر به مصرف رسید؛ کهاز جمله آن باید به حجم فراوان طلا و نقره‌ای اشاره نمود که در جهت ضرب مسکوکات و رونق تجارت مورد استفاده قرار می‌گرفت یا اسرای فراوان هندویی که در جنبه‌های مختلف تجاری، عمرانی و نظامی از آن‌ها استفاده می‌شد. لذا سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چه میزان غنائم در نتیجه فتوحات غزنویان در هند به‌دست آمده و این ثروت‌ها چه کاربردی در اقتصاد شهر غزنه داشته‌اند؟ مدعایی که می‌توان در برابر این سؤال مطرح نمود بدین شکل است که غنائم فراوانی بخصوص در عصر اول حکومت این خاندان (۴۳۱-۳۵۱ ق) از فتوحات هند به دست آمد که در جنبه‌های مختلف همچون تجارت، ضرب مسکوکات، فعالیت‌های عمرانی و غیره به بهبود اقتصاد غزنه کمک کرد ولی تمام این غنائم در ساختار اقتصادی شهر غزنه مورد استفاده قرار نگرفت و بخش اعظم آن‌ها در خزائن



و قلاع نگهداری شد. درباره این موضوع پژوهش‌های چندی انجام شده است که از جمله آن می‌توان به «نقش غنائم و ثروت هند در بنی‌های اقتصادی غزنویان» (محمدی، ۱۳۸۶) اشاره کرد که نگارنده آن نه تنها به بررسی مبسوط میزان غنائم هند پرداخته بلکه به بررسی تأثیر این غنائم در ساختار کل حکومت غزنوی و بخش‌های مختلفی همچون تجارت، معماری و شهر و بناهای پادشاهان غزنوی پرداخته که با موضوع این پژوهش متفاوت است. پژوهش دیگر در این باره مقاله‌ای است با عنوان «اهمیت تاریخی و ساختار اقتصادی شهر غزنه در پرتو حیات سیاسی عصر غزنویان» (پاینده، غفرانی و قنات، ۱۳۹۳) که نگارندگان آن نه تنها به میزان غنائم ناشی از فتوحات غزنویان در هند اشاره‌ای نکرده و به صورت گذرا از آن رد شده‌اند بلکه اثرات این غنائم در اقتصاد غزنه را نیز به صورت خیلی کلی مورد توجه قرار داده‌اند. پژوهش دیگری که توسط نگارنده انجام شده پایان‌نامه‌ای است با عنوان «مطالعه وضعیت اقتصادی شهر غزنه در پرتو حاکمیت سیاسی عصر غزنویان و غوریان» (دریکوندی، ۱۳۹۶) که مقاله حاضر از همین پایان‌نامه استخراج شده است؛ بنابراین موضوع این پژوهش در قیاس با تحقیقات مشابه قبلی از سه جهت دارای تفاوت و نوآوری است. نخست: به خاطر بررسی فلسفه تهاجمات غزنویان به سرزمین هند، دوم: مورد کاوش قرار دادن سیر مهم‌ترین فتوحات غزنویان در هند و غنائم ناشی از آن و در نهایت ویژگی سوم که به نوآورانه بودن این موضوع کمک کرده بررسی تأثیر این غنائم بر وضعیت اقتصادی شهر غزنه است.

فلسفه تهاجمات غزنویان به سرزمین هند

غزنویان سلسله‌ای از غلامان ترک‌نژاد بودند که در ربع آخر قرن یازده میلادی بر شرق و جنوب افغانستان مسلط شدند آن‌ها در ابتدا سلسله‌ای محلی بودند که از طرف امرای سامانی بر خراسان و ماوراءالنهر حاکمیت داشتند و سرانجام حکومتی باشکوه و مستقل تشکیل دادند. (Bosworth, 1968: 33) این سلسله نیز مانند سایر حکومت‌های قبل و بعد از خود از منابع درآمد متفاوتی برخوردار بود؛ اما نقش غنائم و ثروت‌های هند از لحاظ حجم و ارزش بسیار چشم‌گیرتر و تأثیرگذارتر از سایر منابع درآمد آن‌ها بود. (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۱۸) هند منبع پایان‌ناپذیری از ثروت و غلام بود. (Bosworth, 1962: 51) و حکومت غزنوی به‌عنوان یک ماشین جنگی نظامی که وظیفه استثمار هند را برعهده



داشت برای بقای خود نیاز به پول فراوانی داشت. (Bosworth, 1966: 85) بنابراین ضرورت انجام فتوحات در هند و سایر مناطق بیشتر می‌شد. در یک دوره ۳۲ ساله حکومت این خاندان از ۳۸۸-۴۲۱ ق/ ۱۰۳۰-۹۹۸ م حاکمان پرتوان و فعال این سلسله همچون سبکتگین و سلطان یمین‌الدوله محمود قلمرو حکومت خویش را به وسیله نیروی نظامی بسط داده تا اینکه بر غرب ایران و دره‌های پرثروت هندوستان مسلط شدند. (Bosworth, 1968: 33) بدین‌سان غزنویان از همان ابتدای استقرار حاکمیت خود یعنی از عصر سبکتگین در راستای منافع اقتصادی و کسب شهرت به‌عنوان غازی حملات خود را به هند آغاز کردند. این حملات در روزگار حاکمیت سلطان محمود به اوج خود رسید به‌گونه‌ای که سلطان محمود در طول بیست‌وسه سال حاکمیت خود هفده بار به هند حمله کرد. منافع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی فتوحات هند باعث شد تا پادشاهان بعدی غزنوی نیز سنت غزا در هند را ادامه دهند. با این وجود غزا در هند بعد از فوت سلطان محمود آن‌گونه که باید همچون روزگار وی با جدیت پیگیری نشد. به نظر می‌رسد کاهش بنیه نظامی دولت غزنوی بعد از مرگ سلطان محمود و اشتغال آن‌ها به مقابله با حکومت تازه‌تأسیس و قدرتمند سلجوقی در عدم توجه به غزا در هند توسط حاکمان غزنوی بعد از او مؤثر بوده است. (فیضی سخا، ۱۳۹۵: ۱۵۳) بنابراین میزان غنائم نیز کاهش محسوسی یافته است. در سال‌های آغازین تشکیل حکومت غزنوی بنیه مالی آن به‌حدی ضعیف بود به‌غیر از سیصد خروار سلاح و پانصد جامه نابریده هیچ‌گونه مالی در خزانه موجود نبود و خزانه آن‌ها خالی بود (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۳۴) به‌گونه‌ای که سبکتگین برای دادن مهمانی به سران سپاه و ارکان حکومتش به‌ناچار از ثروت شخصی خویش استفاده می‌نمود. (عتبی، ۱۳۷۴: ۲۲)

این وضعیت برای یک حکومت نوبنیاد خطرناک و غیرقابل تحمل بود؛ زیرا از یک‌طرف وفاداری سربازانش در معرض تهدید قرار می‌گرفت و از جانب دیگر در صورت تهاجم دشمنان کمبود منابع مالی می‌توانست بسیار خطرناک باشد؛ بنابراین می‌بایست یک چاره اساسی اندیشیده می‌شد سبکتگین به‌درستی به راه‌حل این مشکل پی برده بود؛ حمله به هند و گسترش قلمرو بهترین گزینه برای خروج از این بن‌بست مالی بود؛ بنابراین تا این مرحله از تاریخ شهر غزنه در پرتو حکومت غزنویان ما شاهد رشد و شکوفایی اقتصادی در غزنه نیستیم زیرا حکومت به‌سختی می‌توانست از عهده مخارج روزمره



خویش برآید و عملاً فرصت سرمایه‌گذاری در بخش اقتصادی و تجاری را نداشت همچنین در این مرحله حکومت غزنویان هنوز در معرض خطر تهاجم دشمنانش قرار داشت. از دیگر عواملی که حمله به هند را تسهیل و تشویق می‌نمود موقعیت جغرافیایی مناسب شهر غزنه بود. شهر غزنه چون در بین خراسان و هند قرار گرفته بود؛ (حموی، ۱۹۶۵: ۷۹۸ / ۲؛ ابن‌عبدالرحمان، ۱۳۷۳: ۲ / ۲۰۹؛ حدودالعالم، ۱۳۸۳: ۳۲۳؛ رنجبر، ۱۳۶۳: ۱۹۹-۱۹۵) امکان تهاجم به داخل هندوستان تحت عنوان غزا و جهاد را تسهیل می‌نمود. غزنویان از این شهر به‌عنوان نقطه جهشی جهت لشکرکشی‌های زمستانی به درون هند استفاده می‌کردند و مآلاً به همین خاطر امپراتوری غزنوی جهشی به درون هندوستان پیدا کرد. (باسورث، ۱۳۸۴: ۱ / ۳۵)

شکی در این نیست که تعداد سفرهای جنگی غزنویان به هند بسیار زیاد بوده است حتی اگر از حملات اولیه آن‌ها یعنی از البتگین تا بوری‌تگین صرف‌نظر کنیم؛ باز حداقل بیش از بیست حمله کوچک و بزرگ توسط سه تن از سلاطین بعدی آن دولت یعنی سبکتگین، محمود و مسعود به هندوستان صورت گرفته است؛ که در حقیقت بیش‌ترین غنائم اخذ گردیده نیز در همین دوران بوده است. هرچند منابع و مآخذ آن دوره یا نزدیک به آن عصر از غنائم هند با اغراق و توأم با فخر و مباحثات سخن می‌گویند؛ اما این واقعیت را نیز نمی‌توان انکار کرد که گنجینه‌های عظیمی از آن سرزمین به دربار غزنویان سرازیر می‌گردید و در بعضی از مواقع حقیقتاً به لحاظ حجم و گستردگی قابل‌شمارش و اندازه‌گیری نبوده است. به نظر می‌رسد شاید بتوان بهترین دلیل برای اثبات آن قضیه را در اثرات قابل ملموس و تحولات‌انگیز آن درزمینه‌های مختلف اقتصادی، نظامی و فرهنگی دانست. (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۲۱-۱۲۰)

آغاز فتوحات در هند را باید به‌منزله جرقة اولیه رشد و شکوفایی اقتصادی غزنه به‌حساب آورد. در نتیجه این شرایط بود که غزنویان حمله به ایالت‌های خودمختار و پراکنده هند را به‌عنوان یک راهبرد حکومتی جدید مدنظر خویش قرار دادند. در زمان سبکتگین فتوحات به معنای اصلی خویش آغاز شد و ی چندین نوبت به هند لشکر کشید و اموال و غنائم فراوانی نیز به دست آورد. (استرآبادی، ۱۳۸۷: ۶۶/۱ و ۶۱) از جمله در سال ۳۶۷ ق بست و قصدار را تصرف کرد. (خواندمیر، ۱۳۳۳:

۵۱۷/۲) علاوه بر این سبکتگین در نبردهای مختلفی که با جیپال انجام داد غنائم گوناگونی همچون فیل، زر و اسیر به دست آورد. (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۴۱) طبق اشاره منابع معابد فراوانی توسط سبکتگین ویران شده است. (پیشین، ۵۸۶/۲) که طبیعتاً به غنائمی که در این قلاع مستور بوده نیز دست یافته است. بعد از مرگ سبکتگین (۳۸۵ قمری) فتوحات هند در ابعاد گسترده‌تری توسط فرزند و جانشینش سلطان محمود که نذر کرده بود سالی یکبار به جنگ هندوان برود دنبال شد. محمود نخستین هجوم گسترده و مهم خویش به سرزمین هند را در سال ۳۹۰ ق شروع کرد. (میرخواند، ۱۳۷۵: ۵۸۹/۲) در ادامه به بررسی برخی از مهم‌ترین نبردهای غزنویان در هند می‌پردازیم که بیش‌ترین حجم غنائم را در بر داشته‌اند

گذری بر برخی از مهم‌ترین فتوحات غزنویان در هند و غنائم حاصله از آن

هدف ما در این مبحث پرداختن به روند کامل فتوحات غزنویان در هند و چگونگی پیروزی آن‌ها نیست؛ زیرا که این امر خود پژوهشی جداگانه می‌طلبد. آنچه ما در این بخش درصدد دستیابی بدان هستیم ارائه یک چشم‌انداز کلی از میزان غنائم ناشی از این فتوحات از خلال بررسی برخی از شاخص‌ترین آن‌ها است تا خواننده محترم بتواند به‌خوبی از تأثیر این غنائم بر اقتصاد غزنه آگاه شود.

غنایم فتح پیشاور و ویهند

این جنگ در سال ۳۹۲ ق رخ داد که به پیروزی غزنویان منجر شد و در نتیجه آن اموال و اسرای فراوانی به دست غزنویان افتاد که از جمله آن‌ها پانصد هزار برده به همراه گردنبند گران‌قیمت و مرصع جیپال بود که دویست هزار دینار قیمت‌گذاری شد. (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۳۸۲/۲۱) خوافی از صد و پنجاه فیل یاد می‌کند که به همراه دویست هزار دیناری که در قبال آزادی جیپال از وی گرفته شده بود به دست غزنویان افتاده بود (خوافی، ۱۳۶۱: ۱۰۷/۱) شبانکاره‌ای تعداد این فیل‌ها را صد و پنجاه زنجیر ذکر کرده است. (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۴۸) این غنائم در ازای آزاد کردن جیپال از وی گرفته شد.





غنایم فتح بهاطیه

فتح بهاطیه در سال ۳۹۵ ق رخ داد که به اسارت زن و فرزندان «سجیرا» راجه آنجا و تصاحب اموالش منجر شد. (ابن اثیر، ۱۳۷: ۲۹۶/۲۱؛ میرخواند؛ ۱۳۷۵: ۵۹۰/۲) این اسرا که بر اساس رسم «نوا» در دربار غزنه نگهداری می‌شدند، تضمینی برای دریافت خراج از راجه‌های هندی و اطاعت مشروط آنها از غزنویان بودند؛ استرآبادی از اموال و بردگان بسیاری یاد می‌کند که در این جنگ به دست آمد. (سترآبادی، ۱۳۸۷: ۸۲/۱) برخی دیگر از منابع علاوه بر اشاره به اموال از سلاح‌های زیاد و صدویست فیلی نام می‌برند که در این جنگ به‌عنوان غنیمت به دست سپاه غزنوی افتاد (عتبی، ۱۳۷۴: ۵۹۰).

غنایم حاصله از فتح بهیم‌نگر

فتح بهیم‌نگر در سال ۳۹۸ (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۳۱۶/۲۱) و بنا بر روایتی دیگر در سال ۴۰۱ رخ داد. (خوافی، ۱۳۶۱: ۱۱۴/۱) عبدالجبار عتبی به شیوه متکلفانه خاص خویش غنایم فتح بهیم‌نگر را این‌چنین توصیف می‌کند: «از نفایس و ذخایر و زواهر و جواهر و بنات معادن و دفاین خزاین چیزها یافت که انامل کتاب و حساب آمد، هفتاد هزار هزار درهم شاهی بود و هفتصد هزار و چهارصد من زرینه و سیمینه و از اصناف جامهای شش تری و روسی و سوسی و دیگر انواع چند بود که پیران دولت و دبیران حضرت از ضبط آن عاجز آمدند و معترف شدند که مثل آن جام‌ها در حسن صنعت و تلطیف تفویف ندیده بودند» (عتبی، ۱۳۷۴: ۲۹۳) مستوفی نیز ضمن اشاره به مال بسیاری که در این فتح به دست آمد از صد بت نام می‌برد که وزن یکی از آنها هزار مثقال طلا بود. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۳۹۳/۳) خوافی غنایم این جنگ را هفتاد هزار بار هزار درم شاهی و هفتصد و چهارصد من زر و سیم و جواهر و اجناس زیاد معرفی می‌کند. (خوافی، ۱۳۶۱: ۱۱۴/۱) ابن اثیر با اندکی اختلاف میزان غنایم فتح بهیم‌نگر را هزار هزار درم نقدینه و چهارصد من ظروف طلا و نقره و خانه‌ای پر از سیم به طول سی و عرض پانزده ذراع و کالاهای دیگر ذکر می‌کند. (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۳۱۷/۲۱-۳۱۶). درواقع درباره میزان غنایم این جنگ‌ها اختلافاتی در روایت‌های مورخان وجود دارد. به‌گونه‌ای که خواندمیر مقدار



غنائم حاصله از این پیروزی را هفتاد هزار درم و هفتصد هزار من آلات زرین و سیمین و جواهر و اجناس فراوانی می‌داند که قابل اندازه‌گیری نبودند. (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۳۷۹/۲-۳۷۸).

غنائم فتح ملتان

ملتان در سال ۳۹۶ ق به تصرف قوای نظامی سلطان محمود درآمد. مقدار غنائم به دست آمده از فتح ملتان، بیست هزار درهم (استرآبادی، ۱۳۸۷: ۸۳/۱؛ میرخواند، ۱۳۷۵: ۱۳۷۵-۵۹۱/۲-۵۹۰)، بیست هزار بار هزار درهم (عتبی، ۱۳۷۴: ۲۸۰) و در نهایت با اختلاف فاحشی با روایات قبلی، بیست هزار دینار (ابن-اثیر، ۱۳۷۱: ۲۹۸/۲۱) گزارش شده است.

غنائم فتح ناردین

ناردین در سال ۴۰۵ ق پس از شکست و فرار راجه آنجا در نهایت به صلح گشوده شد؛ و بر اساس معاهده‌ای که بین سلطان محمود و راجه مذکور منعقد گشت قرار بر آن شد که حاکم ناردین پنجاه زنجیر فیل به همراه دوهزار سوار و مبلغی پول به سلطان داده و وفاداری فرزندانش نسبت به حکومت غزنویان را نیز تضمین کند. (میرخواند، ۱۳۷۵: ۵۹۳/۲) ابن اثیر تنها از پنجاه زنجیر فیل و دوهزار سوار نام می‌برد که راجه ناردین متضمن پرداخت آن‌ها به سلطان محمود شده بود. (پیشین: ۳۲۱/۲۱) عتبی نیز طبق معمول با اختلاف نسبت به سایر مورخان از سی زنجیر فیلی به همراه خراج سالیانه‌ای یاد می‌کند که راجه ناردین متعهد به پرداخت آن شده بود. (عتبی، ۱۳۷۴: ۳۷۰)

غنائم فتح مهره و قنوج

فتح مهره و قنوج در سال ۴۰۷ ق رخ داد. در طول این سفر جنگی هفت قلعه توسط سپاه غزنوی گشوده شد. (میرخواند، ۱۳۷۵: ۵۹۹/۲) که یقیناً غنائم فراوانی از غارت آن‌ها به دست آمده؛ و در ادامه در جنگی که با راجیپال راجه قنوج روی داد سرانجام راجه مذکور فرار کرد و سلطان نیز قلاع و آبادی‌های آنجا را فتح نمود و اموال فراوانی به دست آورد. (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۳۷۰/۲۱) در این نبرد آن-چنان برده اسیر شد که قیمت برده از ده درم نمی‌گذشت. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۳۹۴؛ خواندمیر، ۱۳۳۳: ۳۸۲/۱) تعداد این بردگان بر اساس روایت گردیزی پنجاه و سه هزار تن است که به همراه بیست و اند بار



هزار هزار درم و پنجاه فیل به دست سپاه غزنوی افتادند. (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۹۹) تعداد این بردگان به حدی بود که بنا به قول اغراق‌آمیز مورخان خیابان‌های غزنه گنجایش عبور و مرور آن‌ها را نداشت و تهیه غذا و سایر مایحتاج آن‌ها با مشکل مواجه شد؛ و تجار برده از سایر مناطق جهان اسلام همچون عراق، خراسان و ماوراءالنهر برای خرید و فروش این بردگان به غزنه روی آوردند. (عتبی، ۱۳۷۴: ۳۸۶) از جمله غنائم قابل توجه این نبرد که آن را با غنائم سلطان محمود در سایر پیروزی‌هایش متفاوت می‌کند پنج بت از جنس طلاست که چشمانشان از یاقوت بود و هر پاره از این یاقوت‌ها پنجاه هزار دینار زر سرخ ارزش داشت و بقیه بت‌ها هر یک به وزن سیصد و دوست من از جنس نقره بودند. (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۵۳) بنابراین این جنگ به نوعی یکی از پردرآمدترین فتوحات سلطان در هند بوده است.

فتح سومنات و غنائم به دست آمده از آن

سفر جنگی سومنات چه از لحاظ مذهبی و تبلیغاتی و چه از نظر حجم و ارزش غنائمی که در نتیجه آن به دست آمد از اهمیت و ارزش فراوانی در نزد اکثر مورخان و نویسندگان برخوردار است و به نوعی می‌توان آن را شاه‌بیت فتوحات غزنویان در هند دانست. معبد بزرگ و ثروتمند سومنات در سال ۴۱۶ ق گشوده شد. (بناکتی، ۱۳۴۸: ۲۲۴) این بتکده از تقدس و احترام خاصی در نزد هندوان برخوردار بود به گونه‌ای که بیش از ده هزار قریه در زمره موقوفات آنجا بود. (میرخواند، ۱۳۷۵: ۵۹۹/۲) و راز ثروتمند بودن آن نیز در همین امر نهفته بود. خواندمیر در توصیف ثروت‌های نهفته در این بتکده می‌گوید: «چندان جواهر نفیسه آنجا موجود بود که عشر آن در خزانه هیچ پادشاه ننگجد ... و زنجیری از طلا به وزن دوست من که جرس‌ها بر اطراف آن بود از گوشه آن کنیسه آویخته بودند» (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۳۷۸/۱) مقدار غنائم فتح سومنات با اختلاف بیست هزار دینار (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۵۸/۲-۵۳) و بیست میلیون دینار (میرخواند، ۱۳۷۵: ۵۹۹/۲) گزارش شده است.



غنائم هند از روی کار آمدن سلطان مسعود تا پایان عصر غزنوی

در زمان سلطان مسعود مشکلات فراوانی از جمله شبیخون‌های مکرر ترکمانان سلجوقی به خراسان و آزار و اذیت مردم این نواحی باعث ایجاد بحران عظیمی در قلمرو امپراتوری غزنوی شده بود. (ابن-اثیر، ۱۳۷۱: ۱۴۵/۲۲؛ بیهقی، ۱۳۸۳: ۴۵۳) این امر در کنار مسائل دیگری موجب شد که هر چه به پایان حکومت غزنوی نزدیک می‌شویم روند فتوحات غزنویان در هند کمتر شود. (فیضی‌سرخا، ۱۳۹۵: ۱۶۱) علیرغم این شرایط حساس و خطرناک سلطان مغرور و مستبد غزنوی در سال ۴۲۵ ق به قلعه سرستی از قلاع هند حمله نمود و پس از تصرف آن غنائم کثیری نیز به دست آورد. (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۴۵/۲۲؛ بداونی، ۱۳۷۹: ۲۴/۱؛ استرآبادی، ۱۳۸۷: ۱۴۷/۱) همچنین علاوه بر اموال فوق بردگان فراوانی نیز نصیب غزنویان شد. (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۲۷؛ استرآبادی، ۱۳۸۷: ۱۴۷/۱) در سفر جنگی سال ۴۲۷ ق سلطان مسعود قلاع دیگری همچون «سونی پت» و «دیبال هریانه» به تصرف درآمد و مال و برده فراوانی حاصل شد. (بیهقی، ۱۳۸۳: ۵۰۳؛ استرآبادی، ۱۳۸۷: ۱۵۰/۱؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۳۳-۴۳۲) از جمله این اسرا باید به زن و فرزندان راجه مقتول هانسی اشاره کرد. (بیهقی، ۱۳۸۳: ۵۰۳) به دنبال تجزیه خراسان از پیکره حکومت غزنوی توسط قدرت نوظهور و تازه نفس ترکمانان سلجوقی (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۳۹۱) و پس از آن ماجرای قتل سلطان مسعود در رباط ماریگله (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۹۴/۲۲) انتظار آن می‌رفت که توجه غزنویان بیشتر معطوف به هند و انجام فتوحات در آن شود؛ اما برخلاف این انتظار سیر فتوحات غزنویان در هند رو به کاستی نهاد. به طوری که دیگر این فتوحات محدود و پراکنده جانشینان محمود و مسعود توجهی را بر نمی‌انگیخت به نظر می‌رسد کاهش نسبی قدرت نظامی دولت غزنوی بعد از مرگ سلطان محمود و اشتغال آن‌ها به مقابله با امپراتوری تازه به دوران رسیده سلجوقی در عدم توجه به هندوستان مؤثر بوده است. (فیضی‌سرخا، ۱۳۹۵: ۱۵۲)

با این حال فتوحات غزنویان در هند به طور کامل متوقف نشد. ابن‌اثیر بدون اشاره به مقدار غنائم از حمله سلطان ابراهیم به «قلعه روبال»، «دژ اجود» و «دره نور» در سال ۴۷۲ ق خبر می‌دهد. (پیشین: ۹۲/۲۲) به نظر می‌رسد که دلیل عدم اشاره ابن‌اثیر به میزان غنائم این نبردها مقدار کم این غنائم باشد که دیگر نمی‌توانسته اغراقات مورخانه را برانگیزد. خواندمیر که با شور و حرارت و بعضاً مبالغاتی



مقدار غنائم حاصله از فتوحات غزنویان در هند را در دوره اول این حکومت گزارش می‌کند نیز به غنائم این جنگ اشاره‌ای نکرده است. (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۴۹۷/۲) اما به‌رحال روشن و واضح است که بالاخره غنائمی هرچند اندک به‌دست آمده است. نظر ما را روایت بداونی که معتقد است بردگان فراوان به همراه غنائم زیاد به‌دست آمده، (بداونی، ۱۳۷۹: ۲۴/۱) تأیید می‌کند. میرخواند بدون اشاره به غنائم خاصی به فتح نقاطی از هند توسط بهرامشاه یاد می‌کند که دست اسلاف وی بدان نرسیده بود. (میرخواند، ۱۳۷۵: ۶۱۰/۲) این امر ما را بدین نتیجه می‌رساند که یا میزان این غنائم در دوره دوم حکومت غزنویان آنقدر ناچیز بوده که مورخان دیگر آن را شایسته بیان و ثبت نمی‌دانستند و یا اینکه به دلیل دور افتادن غزنویان از خراسان دیگر به آن‌ها به‌عنوان یک حکومت ایرانی نگاه نکرده لذا چندان به اخبار آن‌ها اهمیت نمی‌داده‌اند. در پایان باید این مطلب را اضافه کرد که همان‌گونه که در تاریخ درباره آمار و ارقام اختلافات و تناقضات زیادی وجود داشته و دارد در روایت مقدار غنائم حاصله از فتوحات هند یقیناً مبالغه و اغراق‌هایی صورت گرفته است. به همین مقدار از فتوحات غزنویان در هند و غنائم حاصله از این پیروزی‌ها اکتفا کرده و در ادامه به کاربرد این غنائم در اقتصاد غزنه می‌پردازیم.

کاربرد غنائم هند در اقتصاد شهر غزنه

غنائم به‌دست‌آمده از رهگذر فتوحات هند پس از ثبت و ضبط توسط عمال حکومتی به غزنه فرستاده می‌شدند و در آنجا درباره نحوه استفاده از آن‌ها تصمیم‌گیری می‌شد. از جمله کاربردهای این غنائم می‌توان به انواع بهره‌برداری‌هایی اشاره کرد که از بردگان در جنبه‌های مختلف نظامی، تجاری و عمرانی می‌شد. همچنین شمش‌های طلا و نقره و بت‌های زرین و سیمین نیز به پشتوانه محکمی برای ضرب مسکوکات طلا و نقره تبدیل شدند. علاوه بر آن فیل به‌عنوان غنیمت جنگی باارزشی از لحاظ نظامی فواید بسیاری را عاید امپراتوری غزنوی کرد. در ادامه به بررسی نحوه کاربرد این غنائم در چرخه اقتصادی شهر غزنه می‌پردازیم.

بردگان و انواع بهره‌برداری از آنها

تجارت برده

یکی از مهم‌ترین کاربردهای اقتصادی بردگان اسیرشده در غزنه تجارت آنها بود. عنصرالمعالی که هشت سال در غزنه‌نهدیم خاص سلطان مودود غزنوی بود؛ خرید و فروش برده را به‌عنوان یکی از مشاغل بازرگانی نام برده و توصیه‌های مهمی را درباره نحوه انتخاب بردگان ارائه می‌دهد. از جمله معیارهایی که وی برای خرید یک برده ذکر می‌کند می‌توان به شناختن عیب و هنر ظاهر و باطن آنها، آگاه شدن از علت‌های آشکار و نهان و دیگری دانستن جنس‌ها و عیب و هنر هر جنسی، اشاره کرد. (عنصرالمعالی، ۱۳۸۶: ۱۱۱-۱۱۲) فروش بردگان علاوه بر جنبه درآمدزایی که داشت و به کمک اقتصاد غزنه می‌آمد باعث آشنایی بیشتر تجار و سوداگران برده با راه‌های تجاری بین غزنه و سایر نواحی و شناخت نیازمندی‌های داخلی و خارجی بازار غزنه به دلیل رفت و آمد آنها بدین شهر می‌شد. پس از آنکه غزنویان بردگان هند را در حجم و مقیاس وسیعی به شهر غزنه می‌آوردند سوداگران برده از مناطق مختلف قلمرو اسلامی همچون عراق، خراسان و ماوراءالنهر برای خرید و فروش این بردگان به شهر غزنه می‌آمدند. (عتبی، ۱۳۷۴: ۳۸۷) این تجار بنا بر روایت عتبی آن‌چنان برده از غزنه به عراق و خراسان و ماوراءالنهر بردند که عدد ایشان بر عدد حرایر و احرار زیادت شد. (همان: ۳۸۷) عطوفت، شجاعت و خرد بردگان هندو به همراه تربیت آنها بر اساس نظام کاست که باعث پرداختن آنها به حرفه مشخصی می‌شد. (عنصرالمعالی، ۱۳۸۶: ۱۱۷) بر ارزش این بردگان و تقاضا برای خرید آنها می‌افزود. هرچند که با عرضه بسیار زیاد این بردگان در بازارهای برده‌فروشی قیمت برده افت نمود و از ده درم نمی‌گذشت (مستوفی، ۱۳۶۴: ۳/۳۹۴؛ خواندمیر، ۱۳۳۳: ۱/۳۸۲) اما به هر حال همین قیمت کم نیز می‌توانست کمک شایانی به اقتصاد غزنه نماید.

استفاده از نیروی کار بردگان در فعالیت‌های عمرانی

علاوه بر تجارت و خرید و فروش بردگان، از آنها استفاده‌های دیگری نیز می‌شد یکی از مصادیق آن به‌کارگیری بردگان در فعالیت‌های عمرانی و زیرساختی بود. محمودبه ساخت و سازهای عظیمی در غزنه دست زد. (Bombaci, 1959: 3) و برای پیشبرد این هدف خویش از نیروی کار بردگان در



ساخت مراکز اقتصادی همچون بازارها و کاروانسراها استفاده می‌کرد. (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۲۸) در واقع سلاطین غزنوی از این طبقه اجتماعی جدید در غزنه نهایت بهره را بردند زیرا در میان آن‌ها تعدادی افراد ماهر در فنون مختلف بودند که در ساخت کاخ‌ها، بناها و موارد دیگر به صورت رایگان به کار گرفته می‌شدند. (پاینده، غفرانی و قنوت، ۱۳۹۳: ۱۴۷) توجه به اهل حرف و صنایع در میان تمام اقوام مهاجم در طول تاریخ مهم بوده است به گونه‌ای که مغولان با وجود آن‌همه خونریزی و قتل‌عام‌هایی که از مردم شهرهای گوناگون ایران انجام دادند نسبت به اهل حرف احترام ویژه‌ای قائل بودند. غزنویان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. سلطان محمود هرکجا مرد یا زنی را در صنعتی استاد می‌یافت به غزنه می‌آورد. (بیهقی، ۱۳۸۳: ۲۱۷) بنابراین برخی از افراد ماهر در امور صنعتی در بین این اسرا وجود داشته که باعث رونق فعالیت‌های صنعتی می‌شد. چون دولت مجبور نبود که از خزانه مرکزی حقوقی به آن‌ها اختصاص دهد بنابراین این نیروی کار رایگان در حفظ ثروت خزانه، تولید محصولات کشاورزی و صنعتی بسیار مؤثر بود. آنان در گروه‌های مختلف وارد بازارهای غزنه و شهرهای تابعه شده و باعث رونق دادوستد و به‌طور کلی اقتصاد شهری می‌شدند. (پیشین: ۱۴۷) بنابراین مشاهده می‌شود که نیروی کار بردگان ابزار مهمی برای توسعه اقتصادی شهر غزنه به حساب می‌آمده است.

استفاده از بردگان در قالب نظامیان و غلامان

بردگان و غلامان تنها رونق‌بخش امر تجارت در غزنه نبودند بلکه در ارتش غزنویان نیز نقش مؤثری داشتند. (همان: ۱۲۴) غزنویان از این نیروها در جهات مختلف و با انگیزه‌های گوناگونی استفاده می‌کردند. از یک طرف دستمزد کمی که به آن‌ها داده می‌شد هزینه کم‌تری را بر خزانه وارد می‌کرد و از طرف دیگر به‌کارگیری گروه‌های مختلف قومی در سپاه غزنوی، در نهایت باعث افزایش کارایی نظامی و انجام فتوحات جدید می‌شد. این نظامیان هندو از دو طریق وارد سپاه غزنوی می‌شدند. گروهی از آن‌ها سواران حرفه‌ای بودند که در جریان قراردادهای صلحی که بین غزنویان و راجه‌های هندی منعقد می‌شد به جرگه سپاه غزنوی پیوستند. گزارش منابع حاکی از آن است که در جریان فتح ناردین در سال ۴۰۰ ق هزار (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۳۲۱/۲۲) و بنا به روایتی دیگر دوهزار سوار هندو توسط راجه

ناردین به سلطان محمود اهدا شده است. (میرخواند، ۱۳۷۵: ۵۹۴/۲) میرخواند نیز از مصالحه سلطان محمود با راجه نامعلومی یاد می‌کند که به‌موجب آن راجه مذکور ملزم به اهدای دو هزار سوار به سلطان شد. (همان: ۳۷۹/۱) گروه دوم از میان بردگان و اسرای انتخاب می‌شدند که از نظر بدنی ورزیده و برای حرفه نظامی‌گری مناسب بودند.

فیل غنیمتی باارزش از رهگذر فتوحات هندوستان

از دیگر غنائم باارزشی که صرفه نظامی و اقتصادی داشت می‌توان به تعداد فراوانی فیل اشاره کرد که در جریان فتوحات مکرر غزنویان در هندچه به‌صورت قهری و چه به‌عنوان هدیه به دست آن‌ها افتاد. (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۷۰/۲۲؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۹۹؛ خوافی، ۱۳۶۱: ۱۲۶/۱؛ میرخواند، ۱۳۷۵: ۵۹۴/۲) این فیل‌ها علاوه بر تقویت سپاه غزنوی که منجر به پیروزی‌های بعدی و در نتیجه کسب غنائم بیشتر و تقویت خزانه می‌شد؛ در برخی موارد به‌عنوان هدیه‌ای باارزش به ملوک اطراف داده می‌شد و در ازای آن نیز سلاطین غزنوی هدایایی دریافت می‌کردند. در واقع فیل یک ابزار نظامی بازدارنده در خدمت ارتش غزنوی بود که فتوحات بعدی آن‌ها در هند را تضمین کرده و امپراتوری را در برابر تهاجمات خارجی همچون هجوم قراخانیان بیمه می‌نمود.

تأمین امنیت راه‌های تجاری از رهگذر فتوحات هندوستان

از دیگر دستاوردهای اقتصادی فتوحات غزنویان در هند می‌توان به تأمین امنیت راه‌های کاروان‌رو و رفت‌وآمد تجار و بازرگانان بین هندوستان و عالم اسلامی از جمله شهر غزنه اشاره کرد. البته قبل از این فتوحات نیز این مراوده برقرار بوده شاهد مثال ما گزارش‌هایی است که منابع تاریخی از وجود جام‌های شش‌تری (منسوب به شوشتر) در گنجینه‌های راجه بهیم‌نگر ارائه داده‌اند. (عتبی، ۱۳۷۴: ۲۹۳) اما در محدوده زمانی موردبحث ما این تجارت رونق بیشتری یافته است؛ زیرا از یک طرف غزنویان در بعضی از مواقع بعد از پیروزی‌هایی که در برابر حاکمان محلی هند به دست می‌آوردند با آن‌ها معاهدات تجاری و بازرگانی منعقد می‌کردند؛ (میرخواند، ۱۳۷۵: ۵۹۴/۲) و از جانب دیگر این فتوحات به تأمین امنیت تجار و بازرگانان کمک می‌کرد. گزارش‌های منابع حاکی از آن است که راه





تجاری بین هندوستان و عراق در زمان سلطان محمود ناامن بوده است و در آنجا گروهی از راهزنان کوچ و بلوچ جولان می‌داده و به کاروان‌های تجاری و بازرگانی دستبرد می‌زدند. از آنجایی که این گروه‌های راهزن مانع تجارت بین هند و سایر نواحی قلمرو اسلامی می‌شدند؛ و نیز در پی دادخواهی بعضی از تجار مال‌باخته، سلطان محمود با ترفندی ویژه راه‌های تجاری بین هند و خراسان را از خار وجود این دزدان پاک نمود. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۳/۳۹۵)؛ و پس از آن بر اساس بیانیه‌ای اعلام نمود هر کس که به قصد تجارت عزیمت کند جان و مالش را ضمانت می‌کنم. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۳/۳۹۵؛ طوسی، ۱۳۳۴: ۶۸-۶۷) بنابراین این فتوحات در درازمدت درآمدهای غیرمستقیمی نیز نصیب غزنویان کرده است.

تأمین پشتوانه‌های ارضی خزانه

بخش قابل توجهی از غنائم هند به صورت شمش‌های طلا و نقره و اصنام زرین و سیمین بود. (عتبی، ۱۳۷۴: ۳۸۱) بت در احکام اسلامی جایگاه بسیار بدی داشت و یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های غزنویان از حمله به هند درهم شکستن این بت‌ها بوده است؛ بنابراین بهترین گزینه برای استفاده از این اصنام ذوب و تبدیل کردن آن‌ها به مقدار قابل دادوستد بود. سلطان مسعود به این امر اشاره کرده و می‌گوید: «پدر ما رضی‌الله عنه ... بتان زرین شکسته و بگداخته و پاره کرده و حلال‌تر مال‌هاست» (بیهقی، ۱۳۸۳: ۴۸۲) این روایت در کنار عیار بالای مسکوکات غزنویان (Thomas, 1847: 289-290) به خوبی بیانگر دسترسی آن‌ها به منابع طلا و نقره هند و استفاده از این منابع جهت ضرب مسکوکات طلا و نقره می‌باشد. در واقع مهم‌ترین مصرف شمش‌های طلا و نقره برای مقاصد ضرب سکه بود. (باسورث، ۱۳۸۴: ۷۵/۱) حجم بالای طلا و نقره در دسترس غزنویان عملاً مانع استفاده آن‌ها از مسکوکات مسین شده بود. (همان: ۷۶/۱)

اخذ خراج از برخی شاهزادگان هندی

آنچه مسلم به نظر می‌رسد این است که غنائم فراوان هند عامل مؤثری در ساختن امپراتوری غزنوی بود. غنائم مذکور از دو طریق به دربار سلاطین غزنوی سرازیر می‌گردید. یکی از طریق حملات و



سفرهای جنگی که از حجم و ارزش بسیار بالایی برخوردار بود، دوم خراج ایالات و مناطق متصرفی و نیز گاهی هدایا و پیشکش‌های اعطا شده توسط راجه‌ها و شاهزادگان هندی؛ هرچند خراج ایالات و شهرهای مزبور نه نظم خراج و مالیات مرسوم ایالت‌های تابع حکومت غزنوی در ایران را داشت و نه به لحاظ حجم و ارزش قابل مقایسه با غنائم جنگی بود؛ اما حقیقتاً نمی‌توان از خراج یا مالیات نامنظم ولی چشم‌گیر ایالت‌های هندی نیز چشم‌پوشی کرد. البته نظم خراج ملتان در میان ایالت‌های هند یک استثنا بود چرا که آن شهر به لحاظ نزدیکی به غزنه نسبت به شهرهای دیگر شمال هند، سلاطین غزنوی را قادر ساخته بود تا خراج مقرر آن را منظم دریافت کنند؛ اما نکته قابل توجه این است و دقیقاً نمی‌توان تمایز پرداخت منظم یا نامنظم خراج‌هایی که شاهزادگان هندی به غزنه می‌فرستادند و تاراج‌هایی که از سفرهای جنگی به دست می‌آمد را مشخص کرد. از آنجاکه در دوره نخست غزنوی دیوان ویژه یا تشکیلات کشوری ثابتی در هند شمالی نبود درآمدی که از آنجا می‌رسید نامنظم بود. نیروهای نظامی اغلب تنها وسیله گردآوری خراج در هند بودند؛ و پرداخت آن معمولاً در قراردادهای میان سلطان و شاهزادگان قید می‌گردید. سلطان محمود در اواخر پادشاهی خود کوشید تا با تقسیم مسئولیت در پنجاب شکل ثابتی از نظارت بر سرزمین هند برقرار کند. (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۲۰-۱۱۹) با این تفاسیر سلطان محمود تلاش می‌کرد تا با انعقاد قراردادهایی شاهزادگان هندی را ملزم به پرداخت خراج نماید. یک نمونه از این شاهزادگان حاکم قصدار است که متعهد شده بود مقدار کمی از پانزده هزار درهمی که از مالیات گذشته برگردنش بود را به صورت نقدی و مابقی آن را به صورت جنسی پرداخت نماید. (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۵۹۴/۲) از این روایت چنین برداشت می‌شود که بیشتر این خراج‌ها به صورت جنسی پرداخت می‌شده همچنین در جریان سفر جنگی سلطان مسعود به «هانسی»، «دیره-رام» حاکم آنجا با پرداخت مال بسیاری با سلطان صلح کرد. (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۲۳)

لازم به یادآوری است که بخش اعظمی از این غنائم صرف امور فرهنگی و نواختن شعرا می‌شد، به گونه‌ای که این رسم در دوره‌های بعدی حکومت غزنوی نیز با شعرای بزرگی مانند مسعود سعد سلمان، سنایی، عثمان مختاری، ابوالفرج رونی و سیدحسن غزنوی ادامه داشت. (Bosworth, 1991: 43)

حمایت از شعرا و پرداخت صله‌های گران‌بها به آن‌ها باعث شد تا دوره اول حکومت غزنوی



عصر رستاخیز فرهنگی ایران نامیده شود. (Bosworth, 1968: 44) این امر اگرچه بخش اعظمی از غنائم هند را می‌بلعید ولی آوازه شهر غزنه و بخشدگی سلاطین آن را در سایر مناطق پخش می‌نمود و باعث توجه بیشتر تجار و بازرگانان برای تجارت با این شهر شده و از جهتی دیگر موجبات رونق و شکوفایی غزنه را فراهم می‌نمود. در پایان این مبحث لازم به یادآوری است که با اینکه سلاطین غزنوی از این غنائم در جهت بهبود وضعیت اقتصادی شهر غزنه به‌طور کامل استفاده نکردند و بخش اعظمی از این غنیمت‌ها را به صورت ذخیره در خزاین و قلاع نگهداری می‌کردند (همدانی، ۱۳۶۲: ۲۱۱/۲؛ بیهقی، ۱۳۸۳: ۶۴۶) ولی با این حال این غنائم در کنار سایر منابع درآمد غزنویان به رونق اقتصادی شهر غزنه به‌ویژه در دوره اول حکومت غزنوی کمک کردند البته ذخیره ارزی از لوازم اساسی برای تضمین بقای یک حکومت است و ما منکر این امر نیستیم، منظور آن است که غزنویان می‌توانستند از غنائم هند بهره اقتصادی بیشتری ببرند.

نتیجه‌گیری

غزنویان پس از تحکیم پایه‌های قدرت خویش در خراسان بنا به انگیزه‌های مختلفی همچون کسب غنیمت، مجموعه حملاتی را به سرزمین هند تدارک دیدند. وضعیت اقتصادی نامناسب حکومت غزنوی، ساختار پراکنده قدرت در هند و زرخیز بودن آن به همراه مجاورت غزنه با این سرزمین از جمله مهم‌ترین عوامل جاذبه در حمله به هند بود. در یک چنین شرایطی و از زمان سبکتگین فتوحات در هند آغاز شد؛ و در دوره سلطان محمود به اوج خود رسید. سیر فتوحات غزنویان در هند اگرچه با مرگ سلطان محمود روندی نزولی یافت ولی به‌طور کامل متوقف نشد و کمابیش تا آخر عمر این دودمان ادامه داشت. در نتیجه این فتوحات غنائم بسیاری همچون اصنام زرین و سیمین، برده، فیل و اجناس و ظروف و کالاهای فراوان دیگری به دست آمد. گسترش روابط بازرگانی بین هند و قلمرو حکومت غزنوی و اخذ خراج از برخی شاهزادگان هندی نیز در زمره غنائم بلندمدت ناشی از فتوحات هند بود.

این غنائم پس از وارد شدن به شهر غزنه در کنار سایر منابع درآمد حکومت غزنوی از جنبه‌های مختلف موجبات رونق اقتصادی این شهر را فراهم می‌کردند. ورود خیل عظیم بردگان باعث هجوم

سوداگران برده به غزنه شده و در کنار امنیتی که در نتیجه این فتوحات در مسیرهای بازرگانی مابین هند و خراسان برقرار شده بود به رونق بازرگانی کمک نمود همچنین از این بردگان در فعالیت‌های عمرانی و امور نظامی نیز استفاده می‌شد و از این جهت نیز موجبات شکوفایی اقتصادی غزنه را فراهم می‌کردند زیرا علاوه بر آن که دستمزد کم‌تری به آن‌ها داده می‌شد از مهارت آن‌ها برای بهبود فعالیت‌های پیشه‌وری و صنعتی و در نتیجه صدور کالا استفاده می‌کردند. حجم زیاد طلا و نقره‌ای که از هند به‌دست می‌آمد نیز علاوه بر تأمین پشتوانه‌های ارضی خزانه به رونق تجارت کمک نمود. همچنین برخی غنائم دیگر مانند فیل نیز ضامن پیروزی‌های بعدی غزنویان در هند و در نتیجه کسب غنیمت بیشتر می‌شدند. اگرچه این غنائم نقش مهمی در رونق اقتصادی غزنه ایفا نمودند ولی سلاطین غزنوی بیشتر آن‌ها را در قلاع و خزاین خود نگه داشته و از تمام قابلیت‌های این ثروت‌ها برای شکوفایی هرچه بیشتر اقتصاد غزنه استفاده کامل را نبردند.

منابع

الف) کتاب‌ها

- ابن اثیر جزری، عزالدین (۱۳۷۱). *الکامل (تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران)*، ج ۲۲ و ۲۱، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، تهران: موسسه مطبوعات علمی.
- باسورث، ادموند کلیفورد (۱۳۸۴). *تاریخ غزنویان*، ج ۱، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، چ ۴.
- بداونی، عبدالقادر بن ملوک‌شاه (۱۳۷۹). *منتخب‌التواریخ*، ج ۱، تصحیح توفیق سجادی و مولوی احمد صاحب، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بناکتی، ابوسلیمان داوود بن ابی‌الفضل محمد (۱۳۶۸). *روضه‌اولی‌الالباب فی معرفه‌التواریخ‌ولانساب (تاریخ بناکتی)*، تصحیح جعفر شعار، تهران: انجمن آثار ملی.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۸۳). *تاریخ بیهقی*، تصحیح علی اکبر فیاض، به اهتمام محمد جعفر یاحقی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، چ ۳.





- بارتولد، واسیلی ولادیمیرویچ (۱۳۸۶). **تذکره جغرافیایی تاریخ ایران**، ترجمه حمزه سردادور، مشهد: توس، چ ۳.
- حدود العالم من المشرق الى المغرب** (۱۳۸۳). مقدمه و. و. بارتولد، تعلیقات و. مینورسکی، ترجمه میرحسین شاه، تصحیح مریم میراحمدی و غلامرضا ورهرام، تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء، چ ۲.
- حموی، یاقوت (۱۹۶۵ م). **معجم البلدان**، المجلد الثاني، طهران، منشوراه مکتبه الاسدی، الطبعة الاولى.
- خوافی، احمد بن محمد فصیح (۱۳۴۱). **مجمل فصیحی**، ج ۱، تصحیح محمود فرخ، مشهد: کتابفروشی باستان.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین حسینی (۱۳۳۳). **حسب السیر فی اخبار افراد البشر**، ج ۲ و ۱، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابفروشی خیام.
- رنجبر، احمد (۱۳۶۳). **خراسان بزرگ (بختی پیرامون چند شهر از خراسان بزرگ)**، تهران: امیرکبیر.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد (۱۳۸۱). **مجمع الانساب**، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- طوسی، نظام‌الملک (۱۳۳۴). **سیاست‌نامه**، تصحیح و حواشی محمد قزوینی، تهران: بی‌نا.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار (۱۳۸۶). **قابوس‌نامه**، به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: علمی فرهنگی، چ ۱۵.
- عبدالرحمان، محمد مراد (۱۳۷۳). **آثار البلاد و اخبار العباد**، ج ۲، تصحیح محمد شاهمرادی، تهران: دانشگاه تهران.
- عتبی، محمد بن عبدالجبار (۱۳۷۴). **تاریخ یمینی**، ترجمه ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفاذقانی، تصحیح جعفر شعار، تهران: علمی فرهنگی، چ ۳.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمد (۱۳۶۳). **تاریخ گردیزی**، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴). **تاریخ گزیده**، ج ۳، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر، چ ۳.

میرخواند، محمد بن خاوند شاه بلخی (۱۳۷۵). تاریخ روضه‌الصفاء، ج ۲ و ۱، تهذیب و تلخیص عباس زریاب، تهران: علمی، چ ۲.

همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۶۲). جامع‌التواریخ، ج ۲، به سعی و اهتمام احمد آتش، تهران: دنیای کتاب.

هندوشاه استرآبادی، محمدقاسم (۱۳۸۷). تاریخ فرشته از آغاز تا بابر، ج ۱، تصحیح محمد رضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چ ۱.

ب) مقالات:

پاینده، محدثه، علی غفرانی و عبدالرحیم قنوات (۱۳۹۳). «اهمیت تاریخی و ساختار اقتصادی شهر غزنه در پرتو حیات سیاسی عصر غزنویان»، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۵، ش ۱۶، صص ۱۵۶-۱۳۱.

فیضی‌سرخا، مهدی (۱۳۹۵). «افول روند فتوحات در هند بعد از سلطان محمود؛ فروکش کردن انگیزه‌های جهادی یا تضعیف بنیادی حکومت غزنوی»، فصلنامه تاریخنامه خوارزمی، ش ۱۳، صص ۱۲۵-۹۹.

محمدی، ذکراالله (۱۳۸۶). «نقش غنائم و ثروت هند در بنیادهای اقتصادی غزنویان»، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ، ش ۴۰، صص ۱۴۴-۱۱۷.

لاتین

Bombaci, alession(1959). «summary report on the Italian archaeo logical mission in afganistan, introduction to the excaration at ghazni», east and west, institute Italiano per Africa a loriente(ISIAO), V 10, N ½, P P: 3-22.

Bosworth, Clifford Edmund (1962). «the imperial policy of the early Ghaznavids», Islamic studies, journal of the central institute of Islam research, V 1, N 3, PP: 49-82.



_____ (1966). «Mahmud of the Ghazne in contemporary eyes and in later Persian literature», British institute of Persian studies, London, V 1, N 4, P P: 85-92.

_____ (1968). «the development of Persian culture under the early Ghaznavids», British institute of Persian studies», V 6, p p: 33-44.

_____ (1991). «Farrukhiselegyon Mahmud of ghazna», britishinstitute of Persian studies, V 29, p p: 39-43.

Thomas, Edward (1847). on the coins of the king of Gazni», journal of the royal Asiatic society of great Britian an Irland, V 9, p p: 267-386.

